

باسلام و درود

ویژگی‌های ماهی نادان:

در داستان ماهی‌ها عنوان شد که ماهی عاقل فضاگشایی کرد و با نور عشق و خرد تابیده از درون خودش، راه خروج از آبگیر ذهنی من‌دار را پیدا کرد. ماهی نیم‌عاقل هم با توکل به اَتقوا و صفر کردن تدبیرات پندار کمال، خودش را به جریان کن‌فکان که همراه قضا می‌آید، سپرد. ولی ماهی نادان نه فضاگشایی کرد، نه از اَتقوا و هدایت بزرگان استفاده کرد. او تا به آخر بر اساس سبب‌ها و شرطی‌شدگی‌هایش به رویدادهای آبگیر واکنش نشان داد. یعنی وقتی از تهدید حمله‌ی صیاد خبردار شد، ولی هنوز در امن و عافیت بود و انتخاب‌های زیادی داشت، خودش را به کاهلی و مشغولیت ذهنی سپرد و بعدا هم که در دام مرادجویی‌اش گرفتار شد، با هیجانزدگی برابر رویداد ستیزه کرد.

غَلَط غَلْطان رفت پنهان اندر آب  
ماند آن احمق، همی کرد اضطراب  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۲۷۸

کاهل و مشغول:

ماهی نادان به دنبال اشتباه گرفتن فضای موقتی و گذرای برکه و علاقمندی به آن، به جای وطن اصلی، و در پی مرادخواهی، کاهل و مشغول همانجا مانده بود. او تا موقعی که قدرت انتخاب داشت، به اینکه باید کلا آبگیر هوشیاری جسمی را ترک کند، اعتنایی نکرد، تا اینکه صیادان سر رسیدند. وی حتی با دیدن شکارچیان هم از کرده‌ی خویش و از اینکه پیش‌تر آبگیر را ترک نکرده، پشیمان نشد. بلکه فقط از به هم ریختن وضعیت مضطرب و بی‌قرار گشت.

از چپ و از راست می‌جست آن سلیم  
تا به جهد خویش برهاند گلیم  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۲۷۹

جهد بی‌توفیق:

ماهی نادان هرگز به من میدانم‌هایش شک نکرده و به عجز خودش اقرار نکرد و برخلاف ماهی نیم‌عاقل که برای نجات از ابتلای قضا، ماهی عاقل را پیشوای خودش ساخت، ولی ماهی نادان متوجه نشد که نیازمند هدایت گرفتن از عقل بزرگان است. او حتی با دیدن دام پهن شده صیادان، به ناامنی آبگیر اعتنایی نکرد و باز در چپ و راست آبگیر، یعنی همچنان در سبب‌های ذهنی، دنبال پناهگاه و چاره گشت. او عزم کرد که با جهد خودش، یعنی همان دید و دانش که خودش را گرفتار دام صیادها کرده بود و با همان تدبیرات عقل جزئی، گلیمش را از دام بلا بیرون بکشد.

دام آفگندند و اندر دام ماند  
احمقی او را در آن آتش نشانند

بر سر آتش، به پشت تابه‌ای  
با حماقت گشت او هم‌خوابه‌ای  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۲۸۰ و ۲۲۸۱

خودنمایی:

ماهی نیم‌عاقل با دیدن صیادان خودش را به مردن زده بود و جلوی آنها مدعی برتر بودن نشد و به رقابت و جنگ قدرت با صیادان نپرداخت. بنابراین صیادان او را بی‌جان یافته، پس به دردخور تلقی کردندش و به دور انداختندش. ولی ماهی نادان با جهد فرعونی که داشت، تیز به چپ و راست می‌رفت و خودنمایی می‌کرد. پس خودش را بسیار چرب و شیرین در کام دادن نشان داد. بنابراین صیادان او را لذیذ یافته و شکارش کردند. یعنی انسان نادان هم موقع ابتلا به قضا، مشتاقانه در سبب‌ها و بیرون دنبال چاره می‌گردد و انواع زرنگی‌ها را انجام می‌دهد. به همین خاطر، نیروی همانش جمعی و سوءاستفاده‌گران بیرون هم او را مناسب بیگاری دادن می‌یابند.

او همی‌گفت از شکنجه وز بلا  
همچو جان کافران قالوا بلی

باز می‌گفت او که گر این بار من  
وا رهم زین محنت گردن شکن

من نسازم جز به دریایی وطن  
آبگیری را نسازم من سکن  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، ابیات ۲۲۸۳ تا ۲۲۸۵

عهد بستن تنها هنگام درد و بلا:

ماهی نادان تا وقتی که هنوز قدرت انتخاب داشت، مُنکر توانایی فضاگشایی و منکر سودمندی اتقوا بود. ولی به محض اینکه گرفتار بی‌مرادی بزرگ شد، از روی درد و رنج ادعا کرد که اگر از این بیچارگی خلاص بشوم، دیگر کالا آبیگر هوشیاری جسمی را ترک خواهم کرد و به فضای یکتایی بی‌نهایت خواهم پیوست.

این تمنی هم ز بی‌عقلی اوست  
که نبیند کان حماقت را چه خوست

آن ندامت از نتیجه رنج بود  
نه ز عقل روشن چون گنج بود

چونکه شد رنج، آن ندامت شد عدم  
می نیرزد خاک، آن توبه و ندم  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، ابیات ۲۲۹۵ تا ۲۲۹۷

ندامت از روی درد، نه آگاهی:  
ماهی نادان که تنها هنگام بیچاره و دردمند شدن اظهار پشیمانی کرد، بنابراین توبه‌اش بی‌ارزش بود و در معرض شکسته شدن. او ندامتش هم از روی جهلش بود. زیرا انگیزه‌اش صرفاً خلاص شدن از درد بود. او نمی‌دانست بازگشت واقعی از جهت‌ها، با نیست‌شدن هویت مرادجو و کام‌طلب، یعنی پندارکمال و خالی شدن مرکز از همانیدگی‌ها تحقق می‌پذیرد، نه با فکر و سخن. جناب مولانا می‌فرماید، تا وقتی من ذهنی هست، فراموشی و توبه‌شکنی هم هست. زیرا از ویژگی‌های «من دروغین» این است که به محض بهبود یافتن درد، قول و قراری که آن موقع گذاشته بود را فراموش می‌کند و دوباره به جهت‌کام گرفتن از اجسامی می‌رود که در مرکز است.

ضبط و درک و حافظی و یادداشت  
عقل را باشد که عقل، آن را فراشت  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۲۹۰

توبه واقعی ویژگی فضای گشوده، نیستی و عقل کل است که اصلا و اساسا تمایلی به مراد گرفتن از چیزها ندارد.

باسپاس  
الناز  
